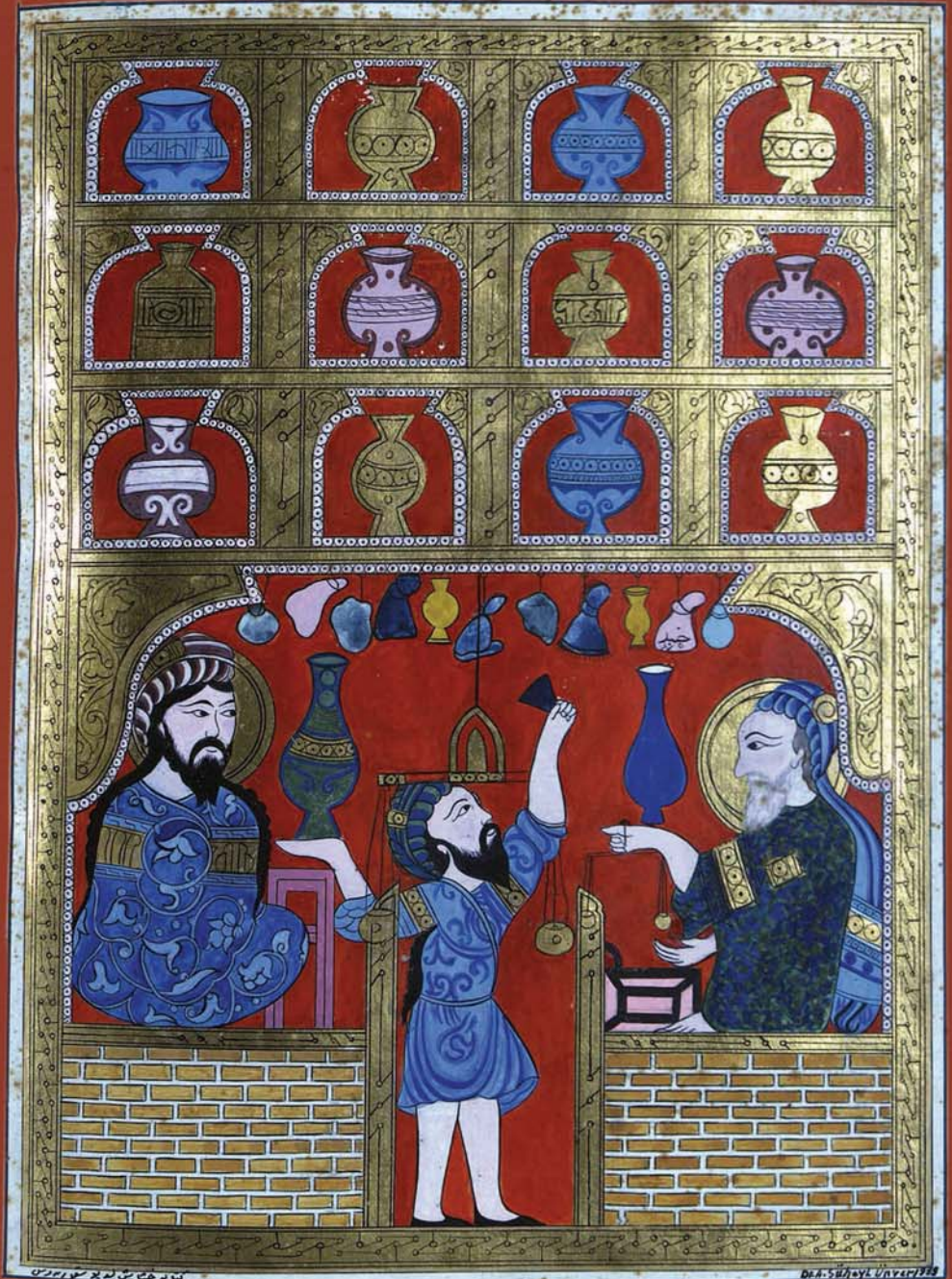


## فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال سوم، شماره یکم و دوم، بهار - تابستان ۱۳۹۷ | انتشار بهار ۱۳۹۹

سرخس، میراث مکتوب و نقش آن • درباره برخی تعبیرات در دیوان ناصر خسرو / احمد مهدی نهنش • کتاب‌المصادر ابوغلی تیرانی / علی‌ابراهیم صادقی • فرمان جهان‌شاه قراقوبولو در منع عزاداری محرم (بمناسبت ۱۳۸۶ق) / عبداللین شیخ‌المکملی • نمونه کاربرد چاپ سنگی در فرمان‌نویسی / تاب شیرازی • مکر الهی / مصدقین کوشی • تسخانی تازیانیت از ارشاد قلاسی در لندن / ماری پوناشی • دست‌نویس کهن قابوس‌نامه و چاپ حرفی آن / سمیرا قلاسی • «بِسْکُو» یا «بِسْکُو»؟ جای نامی در تاریخ سیستان / جواد معتمدی حکم • سیمسار پرتاب‌بده / مریم بیروسی / رباعی خیام در ریاض هندوشاه نخبجویی / سید علی برافلسی • کهن‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده از نستعلیق تبریزی تا سال ۸۰۰ق و ارتباط آن با دستگاه آل چلاویز در تبریز و بغداد / علی صفوی آق‌نهنه • معنوی و ارزشی مقلداتی هفت نسخه‌شاهنامه، مقدم بر نیمه دوم سده هشتم / علی شایبوان • درباره دشوارترین بیت شاهنامه / امیر رفغان • بخش‌هایی از انیس‌الوحده در جنگی متعلق به اوایل سده نهم / علی رحیمی واریانی • اشعار نویافته عبید زاکانی در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف / حسن شریفی ضعی • درباره تصحیح جامع‌اللغات نیازی / امین خدیووست • ادبیات فارسی بیرون از ایران (سیف‌آه هند، آملی، آسیای میانه، و در فارسی بیودی) / مصدقین کوشی • القانون فی الطب (کتاب‌الاول فی الامور الکتابیه من علم الطب) / سید نصیرزاده نگاهی به تصحیح خلاصه‌الاشعار و زبدة الافکار (بخش تبریز و آذربایجان و نواحی آن) / مرضی موسوی • مدخل حسانه ملی ایران / فاطمه حتمیان • ریشه‌شناسی چه می‌کند؟ (۴) / سید احمدرضا قلم‌نمائی • آثار راشد محمد افندی / ملاحظاتی در باب نقد کتاب ازل القانون فی الطب / بهجت‌علی حسینی • پاسخی به نقد دیوان منوچهری / سید شیری



# فهرست

سر سخن

میراث مکتوب و نقش آن..... ۵-۳

جستار

در باره برخی تعبیرات در دیوان ناصر خسرو / احمد مهدوی دامغانی..... ۷-۶

کتاب المصادر ابوعلی تیزانی / علی‌اشرف صادقی..... ۸

فرمان جهان‌شاه قراقویونلو در منع عزاداری محرم (به تاریخ ۸۶۵ق) / عمادالدین شیخ‌الحکامی..... ۱۲-۹

نمونه کاربرد چاپ سنگی در فرمان‌نویسی / نایب شیرازی..... ۱۵-۱۳

مکر الهی / مجدالدین کیوانی..... ۲۷-۱۶

نسخه‌ای تازه یافت از ارشاد قلانسی در لندن / عارف نوشاهی..... ۳۱-۲۸

دست‌نویس کهن قابوس‌نامه و چاپ حروفی آن / مسعود قاسمی..... ۴۶-۳۲

«بسکو» یا «بسکر»؟ جای‌نامی در تاریخ سیستان / جواد محمّدی خمک..... ۴۹-۴۷

سپه‌سار برن‌تابد پیه / مریم میرشمسی..... ۵۲-۵۰

رباعی خیتام در بیاض هندوشاه نخجوانی / سیدعلی میرافضلی..... ۵۴-۵۳

کهن‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده از نستعلیق تبریزی تا سال ۸۰۰ق و ارتباط آن بادستگاه آل‌جلایر در

تبریز و بغداد / علی صفری آق‌قلعه..... ۸۵-۵۵

معرفی و ارزیابی مقدّماتی هفت نسخه شاهنامه مقدّم بر نیمه دوم سده هشتم / علی شاپوران..... ۱۰۰-۸۶

در باره دشوارترین بیت شاهنامه / امیر ارغوان..... ۱۱۲-۱۰۱

بخش‌هایی از انیس‌الوحده در جنگی متعلّق به اوایل سده نهم / علی رحیمی واریانی..... ۱۱۵-۱۱۳

اشعار نویافته عبید زاکانی در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف / محسن شریفی صحنی..... ۱۲۰-۱۱۶

نقد و بررسی

در باره تصحیح جامع اللغات نیازی / امین حق پرست..... ۱۲۵-۱۲۱

ادبیات فارسی بیرون از ایران (شبه‌فازة هند، آناتولی، آسیای میانه، و در فارسی یهودی) / مجدالدین کیوانی..... ۱۳۷-۱۲۶

القانون فی الطب (الكتاب الأول، فی الأمور الكلية من علم الطب) / سعید فتحعلی‌زاده..... ۱۵۴-۱۳۸

نگاهی به تصحیح خلاصه‌الاشعار و زبدة الافکار (بخش تبریز و آذربایجان و نواحی آن) / مرتضی موسوی..... ۱۶۳-۱۵۵

مدخل حماسه ملی ایران / فاطمه حمصیان..... ۱۶۷-۱۶۴

پژوهش‌های دبستان

ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۴) / سیداحمدرضا قائم‌مقامی..... ۱۷۴-۱۶۸

ایران «متون و منابع عثمانی»

آثار راشد محمّد افندی / نصرالله صالحی..... ۱۷۷-۱۷۵

دبارة نوشتاری پیشین

ملاحظات در باب نقد کتاب اول القانون فی الطب / نجفقلی حبیبی..... ۱۹۰-۱۷۸

پاسخی به نقد دیوان منوچهری / سعید شیری..... ۱۹۹-۱۹۱

۸۲ - ۸۳

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح

متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال سوم، شماره یکم و دوم

بهار - تابستان ۱۳۹۷ [انتشار: بهار ۱۳۹۹]

صاحب امتیاز:

مرکز پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ دیجیتال: میراث

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و

ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir  
 gozaresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۲۵۰،۰۰۰ ریال

روی جلد: نگاره آغاز کتاب الحشایش دیوسقوریدس

در مجموعه پزشکی ۳۷۰۳، کتابخانه ایاصوفیا، مورخ

۶۲۱ق، به نسخ خوش عبدالله بن الفضل سبط الاعز.

در این نگاره یک دکان دارو فروشی دیده می‌شود. بر روی

یکی از اشیاء آویخته از بالای دکان، نام «جنید» نوشته

شده که به‌ظاهر نام نگارگر این نسخه است.

تصویر خط بسمله

از نسخه کتابخانه John Rylands

## سینه‌سار برنتابد پیه

مریم میرشمسی

عضو هیئت مؤلفان لغت‌نامه بزرگ فارسی، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا  
m\_mirshamsi@yahoo.com

به‌هنگام بازخوانی بخشی از حرف «ب» لغت‌نامه بزرگ فارسی، در ذیل سرمدخل‌های «برتافتن» و «برتاویدن» به سه شاهد شعری برخوردیم که مصراع دوم هر سه یک مثل است. پس از طرح اشکال با دیگر مؤلفان، بر سر میز تألیف لغت‌نامه بزرگ فارسی، و گشت‌وگذار و جست‌وجو در فرهنگ‌ها و منابع، به نتایجی دست یافتیم که آن را در میان می‌گذاریم تا اهل فن نیز بر آن بیفزایند. ابیات مورد استشهاد:

فرومایه چون سیرخورده بباشد

همه عیب جوید همه شرکاود

فرومایه آن‌به که بدحال باشد

ازیرا سیه‌سار پی برنتاود

(ناصرخسرو، ۱۳۵۳: ۵۲۹)

سقله گردد ز مال و علم سفیه

که سیه‌سار برنتابد پیه

(سنائی، ۱۳۶۸: ۶۶۱)

مگر نشنیدی این تنبیه هرگز

سیه‌سر برنتابد پیه هرگز

(عطار (?، ۱۳۵۵: ۸۲)

برای دانستن معنی «سیه‌سار»، نخست بنا بر عادت معهود به لغت‌نامه دهخدا مراجعه شد، مداخل «سیه‌سار»، «سیاه‌سار»، «سیه‌سر»، «سیاه‌سر»، «سیسار» و «سیاسر». کامل‌ترین توضیح در ذیل «سیه‌سار» آمده است:

۱. نهنگ که جانوری است مشهور و معروف در دریا. تمساح و تساجه. [به‌نقل از برهان قاطع، آندراج و رشیدی، با همان بیت سنائی که ذکر شد]

۲. آنکه یا آنچه سر سیاه داشته باشد. چنانکه ناصر در صفت قلم گفته<sup>۱</sup>: آن زردتن لاغر گل‌خوار سیه‌سار/ زرد است و نزار است و چنین باشد گل‌خوار (ناصر خسرو)<sup>۲</sup>.

در ذیل «سیه‌سر»، به‌نقل از برهان قاطع و فرهنگ رشیدی و آندراج چنین آمده است:

۱. کنایه از آدمی زاد باشد. آدمی<sup>۳</sup>: سیه‌سار قضا بر سر نیشسته‌ست/

گنه‌کاریش در گوهر سرشته‌ست (ویس و رامین)<sup>۴</sup>.

۲. قلم نویسنده‌گی.

در فرهنگ فارسی معین، در ذیل «سیاه‌سار» چنین آمده است:

ماهیی از نوع بال (= وال) که دارای سری سیاه و پیه بسیار است.

معانی دیگر در ذیل مدخل «سیاه‌سر» آمده است:

۱. آنچه سرش سیاه باشد. ۲. قلم (که سرش در مرکب زنند).

۳. سیاه‌سار. ۴. زن بیچاره و بینوا. ۵. گناهکار.

در فرهنگ بزرگ سخن در ذیل مدخل «سیه‌سار» آمده است:

۱. دارای سر سیاه. ۲. قلم نی تراشیده که سرش به مرکب

آغشته باشد. [با ذکر شاهد ناصرخسرو]

به فرهنگ‌های دیگر نیز مراجعه شد، که خلاصه اطلاعات آنها در لغت‌نامه دهخدا آمده است و بالاتر ذکر شد.

پس از آن به امثال و حکم دهخدا مراجعه کردم. در آنجا

(دهخدا، ۱۳۵۷: ۱۰۰۳) عین مثل «سیه‌سار برنتابد پیه» با بیت

سنائی ضبط شده است، بدون هیچ توضیحی. در فرهنگ امثال

سخن نیز مثل با بیت سنائی ضبط شده و گفته شده: «نظیر

روغن زرد و روده سگ».

در فرهنگ نوادر لغات و ترکیبات و تعبیرات آثار عطار

۱. شواهد بیشتر برای این معنی: قلم بخت من شکسته‌سر است/ موی در سر ز طالع هنر است - دیده دارد سپید بخت سیاه/ آن سپید آفت سیاه‌سر است (خاقانی، ۱۳۷۳: ۶۲). ملک بر کلک سیه‌سار تو باشد محتاج/ هم بدانگونه که محتاج به نور است بصر (هدایت، ۱۳۸۲: ۴۳۲/۲) از ذوقی بسطامی<sup>۵</sup>.

۲. ناصر خسرو، ۱۳۵۳: ۱۶۴.

۳. شواهد بیشتر برای این معنی: کلک او یارد که سازد در شهوار از شبه/ کز سیه‌سر آید آنچ اندر تصور آوری (ابن‌یمین، ۱۳۴۴: ۱۷۱).

۴. فخرالدین اسعد، ۱۳۳۷: ۳۱۹ (با اندکی تفاوت).

چند یک نیمه تن او باشد بلکه بیشتر به درازی. و او را دندان‌های بزرگ است و دراز که هر حیوانی را که بگیرد به دندان در آب کشد و هلاک کند. (حافظ ابرو، ۱۳۷۸: ۲۹۲/۱)

نهنگ را تمساح گویند. در جوی نیل بود. جانوری بقوت و مهلک و چندانکه درازی تن وی بود، درازی سر وی بود. دنبال گرد شیر در آورد، پشتش بشکند. فیل را در آب کشد... و بدان که هر چه آفریدگار آفرید، فک زیرین وی جنبد، مگر نهنگ را کی فک بالای وی جنبد و دندان‌ها دارد دراز، هیچ نتواند خوردن و آنچه بخورد در بن دندان‌های وی بماند، زیرا کی دندان‌ها دراز دارد، چون سیخ‌ها، پس عاجز شود، بر ساحل آید و دهان بگشاید، مرغی بر لب وی نشیند و آن گوشت‌ها از بن دندان وی می‌کشد و می‌خورد، آن مرغ سیر گردد و نهنگ برآساید... دشمن وی راسو بود. مرغی وی را بیندبانگ زند، نهنگ در آب گریزد. و اگر نه راسو به دهن نهنگ در شود، وی را بکشد. (طوسی، ۱۳۸۲: ۶۰۷-۶۰۸)

نهنگ: یکی از حیوانات ذوالمعاشین ممالک حاره که درازی آن از شش تا هشت گز باشد و تساچه و به تازی تمساح و به یونانی کرکودیلس نامند. (فرهنگ نفیسی)

اما آنچه شاید بتواند رابطه بین سیاه‌سار (تمساح/ نهنگ) و برتافتن (تاب آوردن، توان تحمل داشتن) پیه را توضیح دهد، آگاهی‌های زیر است:

سگ آبی و سوسمار دشمن تمساحند؛ و تمساح دهان باز کرده دارد، سگ آبی خویش را به گل بگرداند و در شکمش شود و او را بکشد. وز این است که پیه سوسمار یا پیه سگ آبی با خود دارند، از نهنگ ایمن باشند. (مراغی، ۱۳۸۸: ۱۵۹)

راسورا عادت و طبع چنان است که گشنی به دهان کند، و هم به دهان زاید. و با نهنگ دشمنی تمام دارد. تن خود را به گل و خاک بگرداند تا خشک شود. چون نهنگ را خفته یابد، در حلق او جهد و آلات اندرونی او را پاره‌پاره گرداند تا آنکه که بمیرد، و شکمش را سوراخ کند و بیرون آید. (همان: ۱۲۳)

کلب مائی... در عجایب‌المخلوقات نوشته که بدن خود را گل آلود می‌کند برای آنکه تمساح به خیال طین آن را ببلعد و چون بلعید و داخل شکم آن شد، روده‌های آن را می‌خورد و شکم آن را شکافته بیرون می‌آید و از این جهت هر که نزد آن پیه سگ آبی باشد، از غایله تمساح محفوظ می‌ماند. (عقیلی خراسانی، ۱۳۵۸: ۷۵۲)

جالب است که ناصر خسرو در ایباتی که در صفت قلم سروده، صفت گل‌خوار را برای آن به کار برده است:

نیشابوری (اشرف‌زاده، ۱۳۷۰: ۴۲۳) در ذیل «سیه‌سر بر تنباید پیه هرگز» گفته شده است: «ضرب‌المثل است، نظیر شکم سگ چربی برنمی‌دارد».

این مثل در اغراض‌السیاسة‌ظهیری سمرقندی نیز دو بار به کار رفته است:

در مثل گویند: سیاه‌سار بیه نگیرد، یعنی بداصل و بدنژاد و حرام‌زاده را نیکویی نسازد. (ظهیری، ۱۳۴۹: ۷۴)

یعقوب اندیشه‌مند شد و گفت: آری سیاه‌سار پیه برنگیرد، یعنی حرام‌زاده بداصل را نیکویی نسازد. (همان: ۱۰۰)

درواقع ظهیری سمرقندی مثل را معنا کرده است و نظایری که برای آن از فرهنگ امثال سخن و فرهنگ نوادر لغات آثار عطار نقل شد نیز درست به نظر می‌رسد.

معانی «سیه‌سار» و صورت‌های دیگر آن را در فرهنگ‌ها دیدیم. بیت سنائی در ذیل معنی نهنگ و تمساح به عنوان شاهد نقل شده است و از مثل هم چنین برمی‌آید که «سیه‌سار» نام جانوری باشد.

آشنایان با متون قدیم می‌دانند که در بسیاری از متون فارسی «نهنگ» همان تمساح است، نه ماهی بزرگ‌جثه معروف یاوال. فرهنگ‌های قدیم «سیه‌سار» را عمدتاً نهنگ معنا کرده‌اند، جز فرهنگ نفیسی که تمساح را نیز بر نهنگ افزوده است. اما همان فرهنگ‌ها و همچنین دائرةالمعارف‌های کهن نیز تمساح و نهنگ را یکی شمرده و به عبارت دیگر نهنگ را برابر فارسی تمساح دانسته‌اند.

تمساح: به فارسی نهنگ نامند. حیوانی است بحری و بزرگ‌جثه و دست و پادار و پوست او درشت و در خارج آب نیز تعیش می‌کند و کوچک او که در ریگ تعیش می‌کند... (حکیم مؤمن، ۱۳۸۶: ۱۱۳)

نهنگ: اسم فارسی تمساح است. (همان: ۴۲۸)

تمساح: نهنگ. (ادیب‌نطنزی، ۱۳۸۹: ۱۹۹)

گویند هیچ رودی بزرگ در عالم از جانب جنوب به سوی شمال نمی‌رود الا رود نیل. و رود نیل از دجله و فرات و جیحون که هر سه جمع شوند نیز زیادت باشد. و در نیل مصر تمساح و سقنقور و رعاده باشد. (اما تمساح، نهنگ را خوانند و عوام، ماهی بزرگ را نهنگ گویند و آن غلط است، به سبب آنکه نهنگ حیوانی دیگر است و در نیل مصر باشد، (و) او دست و پائی دارد و سر و تن او دراز باشد، و سراو

مرا مرغی سیه‌سار است گل خوار  
گهر بار و سخن‌دان در قلم‌دان

(ناصر خسرو، ۱۳۵۳: ۱۰۹)

این زردتنِ لاغر گل‌خوار سیه‌سار  
زرد است و نزار است و چنین باشد گل‌خوار...  
چون آتش زرد است و سیه‌سار ولیکن  
این زاب شود زنده و زآتش بمرّد زار  
جز کز سبب دوستی آب جدا نیست  
این زرد سیه‌سار از آن زرد سیه‌سار  
(همان: ۱۶۴)

همچنین شاید بتوان از رباعی‌اش داستان مذکور در منافع حیوان و مخزن الادویه را استنباط کرد:

فرومایه چون سیرخورده بباشد  
همه عیب جوید، همه شرّ کاود  
فرومایه آن به که بدحال باشد  
ازیرا سیه‌سار پی برنتاود

(همان: ۵۲۹)

پس با آنچه در منافع حیوان و مخزن الادویه و عجایب المخلوقات درباره‌ی تمساح یا نهنگ یا سیه‌سار و دشمنی آن با سگ آبی یا راسو آمده، معلوم می‌شود که پیه این جانوران برای تمساح کشنده است و بلعیدنش همان است و مردنش همان. از این رو، هر کس پیه سگ آبی یا راسو همراه خود داشته‌باشد، از خطر تمساح در امان است، زیرا سیه‌سار پیه را بر نمی‌تابد.

### منابع

- ظهیری سمرقندی، محمد بن علی (۱۳۴۹). اغراض السياسة فی اغراض الریاسة. به تصحیح جعفر شعار. تهران: دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۵۷). امثال و حکم. تهران: امیرکبیر.
- حکیم مؤمن، محمد مؤمن تنکابنی (۱۳۸۶). تحفة المؤمنین. به تصحیح روجا رحیمی، محمدرضا شمس اردکانی و فاطمه فرجام‌مند. تهران: مرکز تحقیقات طب سنتی و مفردات پزشکی.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین خوافی (۱۳۷۸). جغرافیا. به تصحیح صادق سجادی. تهران: میراث مکتوب.
- سنائی غزنوی (۱۳۶۸). حدیقة الحقیقه. به تصحیح محمد تقی مدرس رضوی. تهران: دانشگاه تهران.
- عطار نیشابوری (منسوب به) (۱۳۵۵). خسرونامه. به اهتمام

احمد سهیلی خوانساری. تهران: زوّار.

- ادیب نطنزی (۱۳۸۹). دستورالغغه. به تصحیح علی اردلان جوان. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ابن‌یمین فریومدی (۱۳۴۴). دیوان. حسینعلی باستانی راد. تهران: سنائی.
- خاقانی شروانی (۱۳۷۳). دیوان. به تصحیح ضیاءالدین سجادی. تهران: زوار.
- ناصر خسرو قبادیانی (۱۳۵۳). دیوان. به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق. تهران: دانشگاه تهران.
- طوسی، محمد بن محمود (۱۳۸۲). عجایب المخلوقات. به تصحیح منوچهر ستوده. تهران: علمی و فرهنگی.
- حسن انوری (به‌سرپرستی) (۱۳۸۴). فرهنگ امثال سخن. تهران: سخن.
- \_\_\_\_\_ (به‌سرپرستی) (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. به‌سرپرستی حسن انوری. تهران: سخن.
- معین، محمد (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
- نفیسی، علی‌اکبر (۱۳۴۳). فرهنگ نفیسی. تهران: خیام.
- اشرف‌زاده، رضا (۱۳۷۰). فرهنگ نوادر لغات و ترکیبات و تعبیرات آثار عطار نیشابوری. مشهد: آستان قدس رضوی.
- دهخدا، علی‌اکبر و دیگران (۱۳۷۷). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- هدایت، رضاقلی‌خان (۱۳۸۲). مجمع الفصحا. به تصحیح مظاهر مصفا. تهران: امیرکبیر.
- عقیلی خراسانی، محمدحسین (۱۳۵۸). مخزن الأدویه. زیر نظر مجید رهنما. تهران: سازمان و انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- مراغی، عبدالهادی ابراهیم (۱۳۸۸). منافع حیوان. به تصحیح محمدروشن. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- گرگانی، فخرالدین اسعد (۱۳۳۷). ویس و رامین. به‌اهتمام محمدجعفر محجوب. تهران: اندیشه.

